

بلوار دانشجو	
	

بررسی وضعیت دانشگاه‌های ایران در شاخص جهانی دانش

توسعه پایدار در دانشگاه

محمدرتربی

دانشگاه به عنوان یکی از نهادهای اصلی در تولید علم و دانش، نقد اجتماعی و تربیت نیروی انسانی متخصص نقشی تعیین‌کننده در تحقق توسعه پایدار ایفا می‌کند. این نقش نه‌فقط از منظر علمی و فنی، بلکه در بعد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز اهمیت دارد؛ چراکه دانشگاه می‌تواند به عنوان فضای زایش تفکر انتقادی، خلق نوآوری و بستری برای مشارکت اجتماعی عمل کند.
باین‌حال ظرفیت دانشگاه برای ایفای این کارکردها وابسته به وضعیت درونی آن است. توسعه پایدار در خود نهاد دانشگاه باید به عنوان پیش‌نیاز ایفای نقش مؤثر در توسعه پایدار جامعه دیده شود.

در ایران دانشگاه‌ها حتی در حوزه‌های علمی نیز استقلال کافی ندارند. تصمیم‌گیری در حوزه آموزش عالی اغلب تابعی از تحولات سیاسی و امنیتی است و مداخلات نهادهایی که بیرون از دانشگاه قرار دارند، ساختار تصمیم‌گیری درون دانشگاه را تضعیف کرده است. طی دهه اخیر این روند تشدید شده و هم‌زمان با فشارهای اقتصادی و افزایش ناامیدی اجتماعی، دانشگاه‌ها با چالش‌های بی‌سابقه در زمینه آزادی‌های آکادمیک، حکمرانی دانشگاه‌ها و ارتباط با جامعه مواجه شده‌اند.

در چنین شرایطی مفهوم توسعه پایدار که بر تعادل میان سه محور اصلی حفاظت از محیط زیست، رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی تأکید دارد، بیش از پیش اهمیت می‌یابد. این اصول در بستر دانشگاه باید به شکل درونی نهادینه شوند. اما محیط آکادمیک در ایران نه‌تنها از نهادهای‌کردن این مؤلفه‌ها بازمانده، بلکه در بسیاری موارد خود به عرصه‌ای برای نقض آنها بدل شده است. اخراج یا کنارگذاشتن استادان منتقد، محدودسازی تشکل‌های دانشجویی، گسترش سانسور علمی و تضعیف فرایندهای مشارکتی، ازجمله نشانه‌هایی هستند که حاکی از افت کیفیت حکمرانی دانشگاهی و خروج از مسیر توسعه پایداریند.

در این میان، شاخص جهانی دانش (GKI) به عنوان یکی از ابزارهای سنجش وضعیت دانشگاه‌ها و ارتباط آنها با جامعه در کشور‌های مختلف اهمیت فراوانی دارد. این شاخص که از سوی مؤسسه اطلاعات جهانی منتشر می‌شود، کشورها را براساس شش مؤلفه کلیدی شامل آموزش پیش‌دانشگاهی، آموزش عالی، آموزش فنی و حرفه‌ای، تحقیق و نوآوری، فناوری اطلاعات و ارتباطات، محیط توانمندساز و اقتصاد دانش‌بنیان ارزیابی می‌کند. آخرین داده‌های منتشرشده در سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد ایران در مجموع مؤلفه در میان ۱۴۱ کشور، رتبه ۱۰۲ را با امتیاز ۴۰۶ کسب کرده است که کمتر از میانگین جهانی (۴۷۰٫۸) است. این جایگاه نشان‌دهنده فاصله قابل توجه کشور از معیارهای جهانی دانش‌محور است.

شاخص جهانی دانش (GKI) نشان می‌دهد کشورهای منطقه در مسیر توسعه دانشگاه‌های خود فاصله قابل توجهی با یکدیگر دارند. برای نمونه عربستان سعودی با کسب امتیاز ۵۴۰٫۸ در رتبه ۱۴۱ قرار گرفته است. قطر با ۵۵٫۵ امتیاز در رتبه ۳۹ و امارات متحده عربی با ۶۰٫۹ امتیاز در رتبه ۱۲۶، از پیش‌تازان منطقه محسوب می‌شوند. ترکیه نیز با امتیاز ۴۹۰۲ و جایگاه ۵۹، عملکرد متوسط‌تری دارد. در این میان ایران با امتیاز ۴۰۶ و رتبه ۱۰۲، فاصله معناداری با همسایگانی که نام برده شد دارد. این اختلاف به‌ویژه در زیرشاخص‌های آموزش عالی (امتیاز ۳۱۰۴) و محیط توانمندساز (امتیاز ۳۷۰۶) بیشتر به چشم می‌آید.

ایران در بخش آموزش عالی امتیاز ۳۱۰۴ را کسب کرده است. این امتیاز نشان می‌دهد رشد کمی دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر به‌هیچ‌وجه نشانگر پیشرفت کیفی در آموزش یا پژوهش نیست. استقلال علمی محدود و توانایی دانشگاه برای حل مسائل جامعه نیز در سطح بسیار ضعیف باقی مانده است. از سوی دیگر در حوزه محیط توانمندساز، امتیاز ۳۷۰۶ گویای حکمرانی ضعیف، نبود آزادی علمی و فقدان ساختارهای نهادی اثربخش است که مانع تحقق اصول توسعه پایدار در نظام آموزش عالی می‌شود.

در بعد پژوهشی نیز هرچند تولید علمی ایران در برخی رشته‌ها قابل توجه است، اما کیفیت تحقیقات، استقلال در انتخاب موضوعات و تأثیرگذاری اجتماعی پژوهش‌ها همچنان پایین است. وجود خودسانسوری و نبود مسئله محوری، مانع رشد اثربخش نظام آموزش عالی شده‌اند. این امر در نهایت باعث تضعیف پیوند دانشگاه با جامعه شده است. دانشگاه‌ها نه‌تنها در سیاست‌گذاری‌های کلان نقش مؤثری ایفا نمی‌کنند، بلکه در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه نیز عملکردی منفعل دارند. در نتیجه گفتمان دانشگاهی در بسیاری موارد از متن جامعه فاصله گرفته است.

دانشگاه مورد نظر به شبکه متصل نیست

یکی دیگر از نقاط ضعف جدی، جایگاه ایران در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات است. با رتبه ۹۱ از میان ۱۴۱ کشور، زیرساخت‌های دیجیتال کشور در حوزه دانشگاهی همچنان ناکارآمد بوده و ظرفیت لازم برای بهره‌برداری از فناوری‌های نوین در آموزش، پژوهش و ارتباطات علمی بین‌المللی را ندارد. این ضعف، در دوران پساکرونا و در فضای تحول دیجیتال یک مانع جدی برای تحقق دانشگاه پایدار به شمار می‌رود. این عقب‌ماندگی در فناوری‌های نوین و آموزش هوشمند، خود را در رتبه پایین ایران در شاخص‌های بین‌المللی مانند GKI در حوزه ICT نشان می‌دهد. توسعه پایدار در دانشگاه‌های ایران با چالش‌های متعددی دیگری نیز مواجه بوده که در ابعاد مختلف قابل مشاهده است. در حوزه محیط زیست، حفاظت از منابع طبیعی و اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی در بسیاری از دانشگاه‌ها جایگاه ساختاری نیافته است. مصرف بی‌رویه انرژی، فقدان سیستم‌های بازیافت مؤثر ازجمله ضعف‌های مشهود در این زمینه‌اند.

نظام منابع انسانی دانشگاه‌ها نیز با مشکلات جدی روبه‌رو است. نبود شایسته‌سالاری، دخالت‌های بیرونی در روند جذب و ارتقای اعضای هیئت‌علمی و مهاجرت گسترده نخبگان موجب فرسایش شدید سرمایه انسانی در دانشگاه‌ها شده است. از نظر اقتصادی نیز دانشگاه‌ها عمدتا به بودجه‌های دولتی متکی هستند و نتوانسته‌اند سازوکارهای مؤثری برای درآمدزایی از طریق تجاری‌سازی دانش، ثبت اختراعات یا همکاری با صنعت ایجاد کنند.

در مجموع، تحلیل شاخص GKI و مقایسه آن با مؤلفه‌های توسعه پایدار در دانشگاه‌ها نشان می‌دهد نهاد دانشگاه در ایران به‌جای آنکه مؤثر توسعه پایدار باشد، خود در چرخه‌ای از ناپایداری ساختاری و ناکارآمدی گرفتار شده است. بدون اصلاحات بنیادین در ساختار حکمرانی دانشگاهی، بازگشت به استقلال نهاد علم، تقویت زیرساخت‌های فناوریانه و ارتقای پیوندهای میان دانشگاه و جامعه، توسعه پایدار بیش از آنکه یک برنامه عمل‌گرایانه باشد، یک آرزوی دست‌نیافتنی باقی خواهد ماند.

گزارش «شرق» از وضعیت تحصیل افغانستانی‌ها و آزارهای کلامی در دانشگاه بعد از شدت‌گرفتن سیاست اخراج

دانشجویان مهاجر زیر سایه طرد

دانشجویان می‌گویند به‌راحتی نمی‌توانند در خیابان رفت‌وآمد کنند، چون ممکن است پاسپورت‌هایشان گرفته شود و اخراجشان کنند. باین‌حال معاون امور دانشجویان خارجی می‌گوید تفاوتی بین دانشجوی ایرانی و خارجی نیست، همه آنها تحت حمایت‌اند

فاطمه غربی، محمدرضا بهران‌وند

دانشجویان افغانستانی با ویزای تحصیلی حمایت می‌شوند

در پی تشدید نگرانی‌ها درباره وضعیت دانشجویان افغانستانی در ایران، به‌ویژه پس از مواضع اخیر برخی نهادهای دولتی درباره مهاجران فاقد مجوز، عباس قنبری‌باغستان، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران و معاون بورس و امور دانشجویان خارجی سازمان امور دانشجویان، در گفت‌وگو با «شرق» بر حمایت همه‌جانبه از این دانشجویان تأکید می‌کند. او در پاسخ به این پرسش که آیا سازمان امور دانشجویان برنامه‌ای برای حمایت از دانشجویان افغانستانی دارد، گفت: «بله، قطعاً دانشجویانی که از کشور دوست و همسایه یعنی افغانستان با ویزای قانونی و دانشجویی در ایران مشغول به تحصیل هستند، با هیچ مشکلی برای ادامه تحصیل مواجه نخواهند شد. این دانشجویان مانند سایر دانشجویان خارجی تحت حمایت کامل سازمان امور دانشجویان و وزارت علوم هستند».

او درباره وجود مواردی مبنی بر آزار یا تبعیض علیه برخی از دانشجویان افغانستانی نیز می‌گوید: «سازوکارهایی در سازمان امور دانشجویان و در خود دانشگاه‌ها برای مقابله با چنین برخوردهایی وجود دارد. هیچ فرقی بین دانشجوی ایرانی و غیرایرانی نیست و همه آنها تحت پوشش‌های صیانتی و حمایتی دانشگاه‌ها و نهادهای بالادستی ازجمله سازمان امور دانشجویان قرار دارند». قنبری تأکید می‌کند در فضای دانشگاهی، به دلیل ماهیت علمی و آکادمیک محیط، معمولاً نگاهی فرهنگی و تاریخی نسبت به اتباع خارجی، به‌ویژه اتباع افغانستانی وجود دارد و به همین دلیل چنین اتفاقاتی به صورت سازمان‌یافته رخ نداده است؛ «ممکن است موارد خاصی وجود داشته باشد که قطعاً هم از سوی دانشگاه و هم توسط کارگروه پذیرش دانشجویان خارجی در سازمان امور دانشجویان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد». او همچنین از تعامل گسترده سازمان امور دانشجویان با دانشگاه و حتی با سایر نهادهای بیرونی مانند وزارت امور خارجه، پلیس و وزارت اطلاعات برای حفظ امنیت و حمایت از دانشجویان خارجی خبر می‌دهد و درباره وضعیت خانواده‌های دانشجویان افغانستانی توضیح می‌دهد: «خانواده‌های دانشجویانی که ویزای قانونی خانواده دارند نیز مشمول حمایت هستند و می‌توانند از سازوکارهای



موجود استفاده کنند و بهره‌مند شوند. همه این موارد در قانون پیش‌بینی شده است».

بازداشت دانشجوی افغانستانی

در حالی که مسئولان دانشگاهی مانند آقای قنبری تأکید می‌کنند که دانشجویان افغانستانی دارای مدارک معتبر تحت حمایت کامل نهادهای آموزشی قرار دارند، بازداشت «سارا گوهری»، دانشجوی مقطع کارشناسی رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران در مرز تایباد، پرسش‌هایی جدی درباره اجرائی‌شدن این سیاست‌ها ایجاد کرده است. گوهری که با ویزای دانشجویی معتبر و به صورت کاملاً قانونی در ایران تحصیل می‌کرد، در جریان اجرای سیاست‌های جدید مهاجرتی در مشهد بازداشت شده و رضا شفاخواه، وکیل پایه‌یک دادگستری، وکالت او را بر عهده گرفته است. این اتفاق در شرایطی رخ داده که دانشگاه تهران به عنوان قدیمی‌ترین و معتبرترین دانشگاه ایران، همواره از حضور دانشجویان بین‌المللی به‌ویژه از کشور افغانستان استقبال کرده است. بازداشت یک دانشجوی ثبت‌نام‌شده در این دانشگاه، نگرانی‌ها درباره تضمین‌های امنیتی برای دانشجویان خارجی را افزایش داده است. در حال حاضر، اطلاعات دقیقی از دلایل بازداشت، نهاد بازداشت‌کننده و شرایط نگهداری سارا گوهری در دسترس نیست. این نبود شفافیت، فضایی از نگرانی را در میان جامعه دانشجویان افغانستانی ایجاد کرده است.

امتیاز ۶ از ۱۰ در شاخص آزادی سیاسی

از زمان به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان در مرداد ۱۴۰۰، تغییرات زیادی در حوزه آموزش این کشور رخ داد که بیش از همه وضعیت تحصیل زنان و دختران را تحت‌الشعاع جرائی‌داد. محدودیت‌های ساختارمندانی که بر تحصیل زنان و دختران اعمال شد، افغانستان را به تنها کشوری در جهان تبدیل کرد که در آن دختران از آموزش فراتر از سطح ابتدایی محرومند. براساس گزارش یونسکو، تا سال ۲۰۲۵ حدود ۱.۵ میلیون دختر و زن جوان افغان از ادامه تحصیل بازمانده‌اند. از آن زمان موجی از مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران شکل گرفت؛ البته شکل‌گیری این موج تنها به دلایل تحصیلی نبود و دلایل اقتصادی و سیاسی نیز نقش پررنگی داشتند. از نظر اقتصادی، مطابق آماری که در سال ۲۰۲۳ منتشر شد، درآمد سرانه هر

افغانستانی، حدوداً ۳۰ دلار در ماه و کمتر از یک دلار در روز است و مطابق آمارهایی که در سال ۲۰۲۴ نهادهای بین‌المللی منتشر کردند، ۸۵ درصد مردم افغانستان زیر خط فقر قرار دارند. از نظر سیاسی نیز مردم این کشور به‌شدت تحت سرکوب‌اند و هیچ‌گونه آزادی سیاسی در این کشور وجود ندارد. گزارش خانه آزادی در سال ۲۰۲۴ نیز نشان می‌دهد افغانستان از مجموع ۱۰۰ امتیاز شاخص آزادی سیاسی، تنها شش امتیاز کسب کرده است.

رود گسترده افغانستانی‌ها به کشور در دولت سیزدهم

با آغاز به کار دولت سیزدهم، روند ورود و استقرار اتباع افغانستانی در ایران شتابی بی‌سابقه گرفت. بنا بر گزارش‌ها، در طول هزار روز فعالیت دولت سیزدهم، روزانه به‌طور میانگین ده‌هزارو ۵۰۰ تبعه افغانستانی فاقد مجوز، موفق به دریافت مدارک اقامتی شده‌اند؛ آماری که از «ساماندهی» گسترده مهاجران خبر می‌دهد، اما ابعاد و پیامدهای آن همچنان محل مناقشه است. نخستین برآورد رسمی از سوی احمد وحیدی، وزیر کشور، در تیرماه ۱۴۰۲ منتشر شد؛ او جمعیت مهاجران افغانستانی در ایران را بیش از پنج میلیون نفر اعلام کرد. باین‌حال، تنها چند ماه بعد، در مهرماه همان سال، مدیر پژوهش انجمن دیاران این عدد را بین شش تا هفت میلیون نفر تخمین زد. آبان‌ماه نیز در جریان تصویب کلیات طرح تشکیل «سازمان ملی مهاجرت» در مجلس، یکی از نمایندگان تعداد اتباع افغانستانی را حتی تا ۱۰ میلیون نفر برآورد کرد. اعدادی که هرکدام به‌گونه‌ای متفاوت، از فقدان شفافیت در سیاست‌گذاری و آمادگی در این حوزه حکایت می‌کند.

در همین چارچوب، دولت و مجلس تلاش کردند سازوکاری رسمی برای مدیریت این وضعیت تعریف کنند. تصویب طرح «سازمان ملی مهاجرت» در جریان بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه، یکی از مهم‌ترین این اقدامات بود. مطابق این مصوبه، وزارت کشور موظف شد با همکاری دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، این سازمان را تشکیل داده و مسئولیت ساماندهی مهاجران و اتباع خارجی را بر عهده بگیرد. ایراهیم رئیسی، رئیس دولت سیزدهم، در همین رابطه تأکید کرده بود که برای همه اتباع باید شناسه ایجاد شود و هیچ تبعه‌ای نباید بدون شناسه در کشور حضور داشته باشد. به گفته او، این شناسه‌ها باید برای مدیریت اطلاعات هویتی و احوال شخصیه مهاجران در اختیار نهادهای ذیربط قرار گیرد.

باین‌حال، در حالی که مسئولان دولتی مدعی‌اند تمرکز این طرح‌ها بر مهاجراتی است که از مسیر قانونی وارد کشور شده‌اند، روزنامه جوان در گزارشی اعلام کرده بود که تنها در دو سال، دولت سیزدهم به بیش از ۲.۵ میلیون مهاجر غیرقانونی مدارک اقامتی داده است؛ داده‌ای که شاید بیش از هر چیز نشان می‌دهد ساماندهی مهاجران برای دولت سیزدهم در عمل معنایی جز اعطای گسترده اقامت به اتباع بدون مجوز نداشته است.

چرخش سیاست‌ها در دولت چهاردهم

از ابتدای روی کار آمدن دولت چهاردهم، سیاست‌های مهاجرتی ایران درخصوص افغانستانی‌ها دستخوش دگرگونی‌های بسیاری شده است و بسیاری از مسئولان دولت صحبت‌هایی درباره طرد مهاجران به میان آورده‌اند. پس از حمله اسرائیل به ایران و شناسایی و اعترافات تعدادی از جاسوس‌های افغانستانی موساد، این صحبت‌ها شدت گرفت و سیاست‌های دولت منوط بر اخراج و طرد مهاجران افغانستانی به شکل جدی‌تری پیگیری شد. همچنین این اتفاق موجب تحریک احساسات بسیاری از ایرانیان شد و خشم آنها نسبت به مهاجران در فضای اجتماعی نیز بازتاب گسترده‌ای داشت؛ بسیاری از کاربران ایرانی در شبکه‌های مجازی مانند ایکس (تویتر سابق) با ثبت هشتگ «خراج-افغانی-مطالبه-ملی» خواسته خود در این زمینه را بیان کردند.

نادر یاراحمدی، رئیس مرکز امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور، در این خصوص توضیح داده است: «خروج مهاجران افغانستانی از ابتدای سال جاری تاکنون نسبت به مدت زمان مشابه سال قبل، دو برابر افزایش یافته است. از ابتدای امسال تاکنون بیش از ۷۷۲ هزار مهاجر افغانستانی از طریق گذرگاه‌های مرزی دوغانرول، میلک و ماهیروند به کشور خود بازگشته‌اند که این عدد در مقایسه با سال گذشته ۳۵۰ هزار نفر افزایش یافته است». او که روز جمعه ۲۰ تیرماه در مرز دوغانرول شهرستان تایباد حضور یافته بود، همچنین افزوده است: «۱۵ تیرماه ۱۴۰۲ آخرین مهلت قانونی اعتبار برگه‌های سرشماری اتباع است و طبق قانون، حدود سه‌میلیون و ۱۰۰ هزار مهاجر افغانستانی فاقد مجوز باید خاک ایران را ترک کنند. ما در دیدارهای رسمی و غیررسمی با مقامات افغانستان، تضمین گرفته‌ایم که اتباع اخراج‌شده دوباره وارد ایران نشوند».

همچنین اسکندر مؤمنی، وزیر کشور دولت چهاردهم، در دومین نشست سراسری استانداران در سال ۱۴۰۴ که در ساختمان وزارت کشور برگزار شد، با اشاره به مطالبات مردم در حوزه اتباع خارجی گفت: «سال گذشته بیش از یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از اتباع غیرمجاز بازگردانده شدند.

طرفیت ما در پذیرش اتباع با وجود اشتراکات فرهنگی و تاریخی، مشخص و ساده‌است و امیدواریم با همراهی سازمان ملی مهاجرت، ساماندهی اتباع غیرمجاز که در دستور کار مجلس شورای اسلامی نیز قرار گرفته است، در کمترین زمان ممکن به مراحل نهایی خود برسد».

۱۶ آذر

تحمیل ناگهانی بدهی به دانشجو

حمیدرضا عظیمی‌نیا

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه شریف

در روزهای پس از جنگ، برخی دانشجویان دکتری با دریافت پیامکی از سوی صندوق رفاه دانشجویان غافلگیر شدند. متن پیامک چنین بود: «دانش‌آموخته گرامی، پیرو پیگیری‌های متعدد صندوق رفاه دانشجویان مبنی بر تعیین تکلیف بدهی و پرداخت دیون خود به دولت، به آگاهی می‌رسد که با توجه به عدم پیگیری موضوع در مهلت مقرر، مطابق مقررات ذری‌بط، بدهی شما به دل‌حال تبدیل و دفترچه تک‌قسطی برای شما صادر شده است. لذا مقتضی است ظرف پنج روز کاری آینده از طریق آدرس refah.swif.ir نسبت به تسویه بدهی اقدام فرمایید. بدیهی است تبعات ناشی از عدم انجام اقدامات فوق‌الذکر بر عهده شما خواهد بود». این پیامک، بدون هیچ اطلاع‌رسانی قبلی، از دریافت‌کننده می‌خواست ظرف فقط پنج روز کاری مبلغی حدود ۵۰ میلیون تومان پرداخت کند، مبلغی که حتی برای افراد شاغل نیز پرداخت آن در چنین زمانی دشوار است، چه برسد به دانشجوی دکتری بدون شغل دائم. این اقدام صندوق رفاه صرفاً یک مسئله اداری یا فنی نیست. تحمیل ناگهانی بدهی سنگین به دانشجویانی که در حال نگارش پایان‌نامه یا گذراندن خدمت وظیفه هستند، می‌تواند اثرات روانی، اقتصادی و حتی تحصیلی جدی همراه داشته باشد. از منظر حقوقی نیز اصل شفافیت و اطلاع‌رسانی پیش‌دستانه، شرط لازم برای اجرای تعهدات مالی است. بی‌توجهی به این اصول، علاوه بر بی‌اعتمادی عمومی، می‌تواند منجر به اعتراضات جمعی یا بار حقوقی برای صندوق شود. طبق رویه معمول، پس از پایان سنوات مجاز تحصیلی، دانشجو موظف است ۱۰ درصد از بدهی خود را به صندوق رفاه پرداخت کند. پس از آن، برای باقی‌مانده بدهی، دفترچه‌ای با اقساط ۶۰هفته‌ای صادر می‌شود. لازم‌ه این فرایند، اطلاع‌رسانی رسمی صندوق به دانشجو درباره لزوم آغاز روند قسط‌بندی است. اگر با وجود این اطلاع‌رسانی، دانشجو اقدامی نکند، صندوق می‌تواند اقدامات بعدی مانند مراجعه به ضامن را پیگیری کند. اما در سال ۱۴۰۴، به‌گونه‌ای بی‌سابقه، صندوق رفاه بدون اطلاع قبلی، مستقیماً دفترچه تک‌قسطی صادر کرده و دانشجویان را تهدید به رجوع به ضامن کرده است.

معاون امور دانشجویان صندوق رفاه مدعی است این پیامک بدون پیش‌زمینه نبوده است. او در مصاحبه با فرهیختگان آنلاین عنوان کرده که دانشگاه‌ها موظف به اطلاع‌رسانی قبلی بوده‌اند و صندوق نیز پیامک‌هایی درباره ایجاد دفترچه قسط برای دانشجویان ارسال کرده است؛ اما بسیاری از دانشجویان می‌گویند نه از سوی دانشگاه اطلاعی دریافت کرده‌اند و نه از صندوق رفاه. به عبارت دیگر، اصل اطلاع‌رسانی قبلی از سوی هر دو نهاد محل تردید است. به نظر می‌رسد صندوق تصور می‌کرده پیامک‌ها ارسال شده‌اند، اما در عمل بسیاری از دانشجویان هیچ پیامکی درباره صدور دفترچه قسط دریافت نکرده‌اند. باین‌حال، صندوق رفاه تاکنون به‌طور رسمی این اختلال را نپذیرفته و معاون امور دانشجویان صندوق تأکید کرده که اطلاع‌رسانی انجام شده است. این بحران کوچک اما پرهزینه، در تقابل با ادعای دولت مبنی بر حمایت از جامعه دانشگاهی قرار دارد. بروز چنین بی‌ظمی‌هایی، به‌ویژه در میان جامعه‌ای جوان، تحصیل‌کرده و آگاه، می‌تواند اعتماد عمومی به وعده‌های حمایتی دولت را کاهش دهد و حتی حامیان بالقوه را نسبت به عملکرد اجرایی آن دل‌سرد کند. برای عبور از این بحران خودساخته، صندوق رفاه گزینه بازتقسیم از طریق دانشگاه‌ها را به دانشجویان پیشنهاد داده؛ زیرا امکان ابطال دفترچه‌های تک‌قسطی صادرشده وجود ندارد. این راه‌حل، نه‌تنها بار اداری و مالی سنگینی بر دوش دانشگاه‌ها و دانشجویان می‌گذارد، بلکه هزاران درخواست جدید برای بازتقسیم به صندوق سرازیر خواهد کرد. عغلائی‌تر آن است که صندوق رفاه به پذیرش خطای احتمالی در اطلاع‌رسانی، دفترچه‌های تک‌قسطی با سررسید پنج‌روزه و جریمه‌های آن را لغو کرده و مسیر صدور دفترچه‌های اقساط ۶۰ماهه را برای دانشجویان باز کند. همچنین ضروری است رسیدگی جدی به عملکرد سامانه پیامکی صندوق در دستور کار قرار گیرد.